

نقش و رنگ

در دست‌بافته‌های سنتی شاهرود

ذبیح‌ا... مختاری



نخ‌های تار و پودی که یک در میان از زیر و روی یکدیگر می‌گذشتند تشکیل می‌شده و گویا ایرانیان این گونه بافت را از مردم چین فرا گرفته و به سلیقه و میل خود در آن تغییراتی داده‌اند. در گونه دیگری از بافت که ظاهراً آن هم از مردم چین اخذ شده از چهار بود و سه تار استفاده به عمل می‌آمده که دو تار نازک و تار سوم ضخیم‌تر بوده و هر جفت بود برحسب تقاضای طرح پارچه در پشت یا رو قرار می‌گرفته و به نحو ساده‌ای با تار ضخیم درگیر می‌شده و بافت اصلی پارچه را تشکیل می‌داده است.

در فاصله سال‌های ۴۲۹-۵۹۱ هجری قمری تکنیک بافندگی وسعت زیادی پیدا کرده و بافندگان اکثراً دو بود و یک تار را در بافتن منسوجات به کار می‌گرفته‌اند.

طی سال‌های ۵۹۱ - ۶۵۰ هجری قمری تکنیک بافندگی مجدداً تغییر کرد و بافت پارچه‌های دولاکه تار و بود آنها مساوی ولی رنگشان متفاوت بود رواج یافت.

دکتر فیلیس آکرمن متذکر شده که: در این دوره تکنیک بافندگی یک سیر قهقرایی را شروع کرده در حالی که این سیر قهقرایی در مقایسه با رونق تکنیک نساجی در سال‌های ۴۲۹ - ۵۹۱ و ترقی بعدی آن طی

هنرمند سنتی خود را برای کارش وقف می‌کند و خود را در کارش می‌بیند و مستحیل در کار است، او از قواعد و نله‌ورهای فردی در کارش خودداری می‌کند. هنر سنتی مانند یک عبادت برای قرب و نزدیکی است و هنرمند با کار خود، خود را در عبادت می‌یابد و چیزی از مناسک، لحاظ می‌نماید.

هنر سنتی حضور خود را در تمامی مراحل زندگی حفظ می‌نماید و با زندگی روزمره مردم عجین می‌شود و در خلوت انسان‌ها نیز راه پیدا می‌کند.

در مجموع می‌توان گفت هنر سنتی و دست‌بافته‌های سنتی به عنوان جزئی از مراحل سنتی یا حداقل جزئی از صناعات سنتی جایگاهی بس عظیم در عرصه‌های زندگی خصوصی و جمعی افراد بازی می‌کند و ریشه در اصول و قواعدی دارد که وراء را به ماوراء ارتباط می‌دهد. جهت آشنایی مقدماتی با موضوعات مورد بحث در متن تحقیق توضیح مختصری از آنچه که در متن آمده لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

دست‌بافته‌های غیرداری

به طوری که از قراین و شواهد برمی‌آید نخستین دست‌بافته‌های بشری بافت بسیار ساده‌ای داشته و از

سال‌های ۹۰۷ تا ۱۱۴۸ هجری قمری بعید به نظر می‌رسد و تنها این احتمال وجود دارد که مقدار زیادی از منسوجات این دوره از بین رفته و اندکی از آنها بر جای مانده باشد طی سال‌های ۹۰۷ تا ۱۱۴۸ هجری قمری تولید پارچه‌های تافته که در اصفهان و ابیان بافته می‌شد به اوج شکوفایی رسید.

به اعتقاد اکثر کسانی که دارای تحقیقاتی در زمینه بافت منسوجات ایران و ابزار کار مورد استفاده بافندگان هستند اولین طریقه تولید پارچه توسط بشر عبارت بود از آویختن نخ‌های تار از یک چوب افقی و آویزان کردن وزنه‌هایی در انتهای نخ‌ها به منظور ایجاد کشش در داخل نخ تار (مانند بافتن تور ماهیگیری) و عبور نخ بود به صورت یک بسته از لابه‌لای نخ‌های تار تا بافت پارچه تشکیل شود.^(۱)

طریقه‌ای که بعدها ابداع شد عبارت بود از قرار دادن نخ‌های تار در داخل یک چهارچوب افقی به طریقی که این نخ‌ها در داخل چهارچوب کاملاً کشیده قرار می‌گرفت و نخ بود از لابه‌لای نخ‌های تار عبور می‌کرد (مانند بافتن کف پوش‌های حصیری که در یزد مرسوم است) به علت طول محدود قاب و نخ تار روی آن پارچه بافته شده نیز فقط می‌توانست دارای طول محدودی باشد. در قرون بعدی تار بر روی غلنتکی پیچیده می‌شد و این غلنتک در یک دستگاه بافندگی دستی قرار می‌گرفت و نخ‌های تار پس از باز شدن از روی آن به صورت افقی درآمد و در این حالت توسط نخ بود بافته و بر روی غلنتک دیگری پیچیده می‌شد. این دستگاه همان چیزی است که در حال حاضر با کمی تغییرات در نقاط و نواحی مختلف کشور به نام دستگاه بافندگی دستی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بافت پارچه با دستگاه‌های بافندگی دستی در شاهرود در روستاهای اطراف سابقه زیادی دارد و اگر شاهرود را به عنوان جزئی از کشور ایران مطرح نمایم، تمامی تحولاتی که در زمینه بافت در سایر نقاط کشور

رخ داده شاهرود نیز مستثنی نبوده و در ارتباط نقاط مختلف کشور با یکدیگر باعث تبادل حرف و صنایع و تأثیر آنها در یکدیگر می‌باشد.

اصالت در بافت‌های غیرداری و روستاهای شاهرود و خصوصاً نواحی عشایری آن بسیار زیاد است و نمونه‌های به دست آمده حاکی از تبادل طرح و نقش با سایر نقاط کشور و خصوصاً نواحی همجوار شهرستان شاهرود است.

با یک بررسی اجمالی در لباس‌های سنتی و محلی روستاهای شاهرود که اکثراً پارچه این لباس‌ها توسط خود اهالی بافته می‌شده است می‌توان به این نتیجه دست پیدا کرد.

دست‌بافته‌های داری (قالی و گلیم)

از آثار، نوشته‌های مورخان و جهانگردان پیداست که بافتن جزء اولین هنرها و صنایع قبیله‌های پراکنده انسان‌ها بوده است. می‌توان گفت بافتن پارچه و گلیم تقریباً از یک زمان رایج شده است. حتی می‌توان گفت که انسان پیش از آنکه دست به ساختن خانه بزند، اقدام به بافتن کرده است، برای بافتن پارچه از الیاف ظریف‌تر و برای بافتن گلیم از الیاف ضخیم‌تر استفاده شده است. در سال ۱۹۴۱ در سرزمین روسیه یک قطعه قالی به نام «پازیریک» به حال انجماد پیدا شد که مربوط به ۳۵۰ تا ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بوده است و به این ترتیب وجود قالی و گلیم در تمدن‌های باستانی فلات ایران ثابت گردید. این قالی نشان دهنده سنت هزار ساله در بافت قالی است. بدین ترتیب تاریخ پیدایش هنر گلیم بافی و قالی بافی در ایران حدوداً بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سال ق.م تعیین شد. از آنجایی که گلیم زودتر از قالی بافته شده تاریخ گلیم‌بافی به ۳۰۰۰ سال ق.م عنوان شده، که تاریخ آغاز نساجی و از وسایل بافتی که از بشر به دست آمده تاریخ آن متعلق به ۶۰۰۰ سال ق.م است و نشان می‌دهد که از موی بز و گوسفندان استفاده

می‌شده است.

منابع دیگری که دال بر قالی بافی در ایران است شامل:

نقاشی‌های هنرمندان قرون وسطی حاوی نقشه‌های قالی که گفته‌اند از ایرانیان است. سالنامه قدیمی چین (سویی) ۵۹۰-۶۱۷م که قالی را در ردیف کالاهاى ایران به شمار آورده است.

منابع یونانی که از قالی‌های زربفت ایرانیان یاد کرده‌اند.

کتاب حدودالعالم نوشته شده در قرن سوم هجری که بافت قالی در منطقه فارس را تأیید می‌کند.

فرش به عنوان نمودی از فکر و اندیشه بشری در طول تاریخ خود با فراز و نشیب‌های خاصی روبه‌رو بوده است.

عصر مغول را می‌توان عصری غم‌انگیز برای انواع هنرهای ایران از جمله قالی‌بافی یاد کرد^(۲) و پس از قرن ۱۰ و ۱۱ یعنی عصر صفویان زمان شکوفایی طبع هنری مردم ایران است. ابداع طرح‌ها و نقشه‌های بسیار زیبا و هنرمندانه در این عصر جایگاه فرش ایران را به حد اعلای خود رسانیده است.

قالی‌های صفویه شامل دو دوره است: ۱- عصر اسماعیل شاه طهماسب (۹۸۴-۹۳۱ ه. ق) در این عصر قالی‌های ترنج‌دار و قالی‌های با طرح حیوان و شکارگاه متداول گردید.

۲- عصر «شاه عباس» یا «مکتب شاه عباس» ابداع نقش‌های جدید با استفاده از اسلیمی‌ها و گل‌های مخصوص شامل:

- ۱- طرح ترنج‌دار یا لچک ترنجی
- ۲- طرح شکارگاه
- ۳- طرح درختی
- ۴- طرح گلدانی

بعد از عصر صفوی تقریباً ادامه همان راه در قالی بافی مشهود است و با ارتباط هنرمندان در نقاط مختلف

کشور نوعی تبادل طرح و بافت ایجاد می‌گردد و مراکزى از قبیل تبریز - کرمان - کاشان - اصفهان و اراک هنرمندان ارزشمندی را در زمینه بافت و طرح از دل خود بیرون می‌آورد. پیشرفت وسایل کار طراحی و تکنیک‌های بافت سبب افزایش مهارت بافندگان و تولید محصولات با کیفیت را شامل می‌شود.

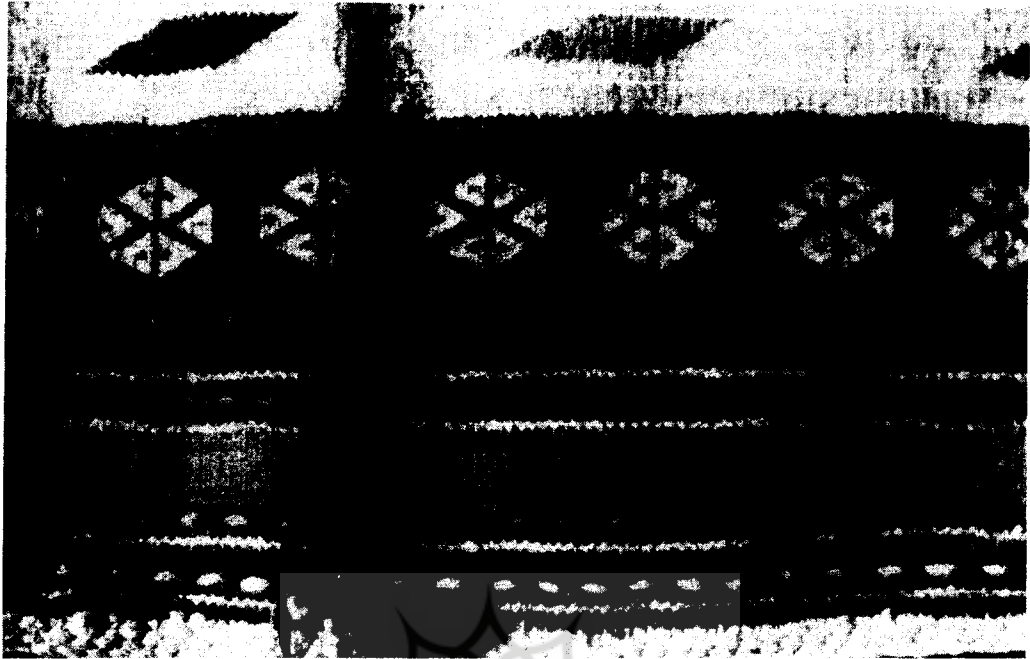
ارتباطی که بین نقاط مختلف کشور در زمینه ارایه طرح و شیوه‌های بافت صورت می‌پذیرد. باعث گسترش بافت قالی در نقاط مختلف کشور از جمله شاهرود می‌شود. هر چند که گسترش قالی‌بافی در شاهرود سابقه چندانی ندارد ولیکن به نوبه خود می‌تواند سهمی از تولید قالی‌بافی در سطح کشور را داشته باشد.

جدای از بافت قالی به شکل پراکنده و اندک در گذشته‌های شاهرود که همانند سایر نقاط کشور کمابیش وجود داشته است، سابقه قالی‌بافی به شکل عمده و کارگاهی در شاهرود به نقل از بومیان و بافندگان محلی به ۲۵ الی ۳۰ سال پیش برمی‌گردد که از طریق بافندگان و طراحان قالی نابین و یزد به شاهرود و سپس به روستاهای اطراف آن نفوذ پیدا می‌کند.

علاوه بر طرح نابین طرح‌های دیگری از قبیل مشهد - سبزوار یا ترکمن توسط بافندگان روستایی و عشایری بافته می‌شود که آن طرح‌ها از طریق دیدن نمونه‌هایی از فرش یا طرح آن نواحی کمابیش مورد استفاده قرار می‌گیرد.

انواع دست‌بافته‌های غیرداری در شاهرود

تولید دست‌بافته‌های سنتی در شاهرود و روستاهای اطراف چه از لحاظ تنوع در بافت و چه از لحاظ تنوع در نقش و رنگ و مواد اولیه در گذشته‌های نه چندان دور حایز اهمیت بسیار بوده است هر چند که هم اکنون با توجه به مسایل اجتماعی و اقتصادی و رونق مصرف کالاهای آماده از اهمیت افتاده است



تمام طول یکجا بافته می‌شود و نیازی به نورد نیست. چله کشی جاجیم بلند است پس از هر مرحله بودکشی بافته را با شانه می‌کوبند. جاجیم پشت و رو ندارد و در اصل پشت و روی آن با هم فرقی نمی‌کند نقوش راه‌راه در جاجیم را «محرمات» می‌گویند.

ولیکن باز هم کماکان به فعالیت خود ادامه داده است و با اندک حمایتی می‌تواند مجدداً هم به عنوان پشتوانه اقتصادی برای خانواده‌ها و هم به عنوان زنده کردن پیشینه‌های فرهنگی قابل توجه باشد.

اهم این دست‌بافته‌ها را که بافت بعضی از آنها تقریباً از بین رفته است بدین شرح است:

انواع جاجیم فرشی

۱- جاجیم پشم در پشم که از نخ پشم است. جاجیم پشم و پنبه که تار آن از نخ پنبه و بود آن از نخ پشم است. جاجیم ابریشم و پنبه که تار آن پنبه و بود آن از ابریشم است. جاجیم ابریشمی یا ابریشم در ابریشم که در تار و بود آن از ابریشم استفاده شده و بسیار کم‌یاب و تزیینی است.

دستگاه جاجیم‌بافی به‌طور افقی در برابر بافنده قرار می‌گیرد و دارای دو یا چهار ورد چوبی است که در لابه‌لای چله‌ها واقع شده و توسط دست به عقب و جلو

۱- جاجیم بافته‌ای از پشم تابیده الوان است که بسیار زبر و خشن است و بیشتر برای پیچیدن رختخواب و زیرانداز و مانند آن به کار می‌رود.

تولیدکننده آن بیشتر عشایر هستند اما بسیاری از ساکنان روستاهای مختلف از جمله مجن رضآباد خوارتوران - خانه گلی - نردین - کالپوش به بافت آن اشتغال داشته و بعضاً دارند.

جاجیم دارای پرز نبوده و علاوه بر استفاده از نخ‌های پشمی و پنبه‌ای بعضاً از کرک نیز در بافت آن استفاده می‌شود. بافت جاجیم مانند گلیم است و در

حرکت نموده و امکان عبور بود از میان تارها را فراهم می‌سازد.

۲ - برگ

نوعی پارچه ضخیم است که در گذشته از پشم شتر یا کرک بز با دست بافته می‌شده است و از آن جامه زمستانی می‌دوزند.

تولید این محصول به نقل بومیان روستای فرومد در این منطقه مرسوم بوده است و کارگاه‌هایی نیز تا ۱۵ سال پیش در این روستا وجود داشته است که متأسفانه در حال حاضر از وجود این کارگاه‌ها خبری نیست.

بافت برگ معمولاً به وسیله زنان مسن در کارگاه‌های خانگی انجام می‌شود و تنها ماده اولیه مورد مصرف در آن کرک بز است ولی در بعضی نواحی دیگر کرک شتر نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد که بسیار با دوام‌تر از کرک بز است.

شاهرود رایج بوده است و در حال حاضر این هنر - صنعت از بین رفته است.

۵ - ابریشم‌بافی

بافت فرآورده‌های ابریشمین، از جمله صنایع پر پیشینه‌ای است که از گذشته‌های دور در بسیاری از نقاط روستایی ایران از جمله شاهرود رواج داشته است و اینک نیز کمابیش به بافت آن اشتغال دارند.

از روستاهایی که در شاهرود به بافت مصنوعات ابریشمی اشتغال داشته‌اند ولی متأسفانه در حال حاضر از بین رفته‌اند. عبارتند از: زمان‌آباد - سلمرود، رضاآباد - فرومد - نردین - مجن - کلاته خنج - ابرسیج - طرود و سطوه عرض دستگاه ابریشم‌بافی بیش از نیم متر نیست و محصولات تولیدی معمولاً دارای عرض ۳۰ سانتی‌متر هستند.

۶ - فَرَت

فرت بافی نیز جزء محصولاتی است که هم اکنون بافت آن منسوخ شده است. بافت و تهیه منسوجات مختلف به وسیله نخ‌های پنبه‌ای تابیده یا ابریشم مصنوعی در فرومد و روستاهای شمال غرب شاهرود تولید، و فَرَت بافی یا تَن بافی گفته می‌شده است.

دستگاه بافت فرت تقریباً شبیه دستگاه بافندگی مورد استفاده در تولید سایر دست‌بافته‌ها است و اکثراً چهار وردی بوده است با این تفاوت که در دستگاه فرت بافی به علت بالا بودن تعداد نخ‌ها، وردها دو به دو به یکدیگر بسته می‌شده و نقش دو ورد را ایفا می‌کرده است.

۷ - چوقا

نوعی پارچه برای لباس دهقانان و چوپانان و بیشتر رنگ‌های سرمه‌ای و قهوه‌ای و آبی دارد. نخ‌های مورد استفاده در بافت چوقا معمولاً از نخ‌های پشمی به

۳ - چادر شب

چادر شب بافی نوعی صنعت دستی روستایی و خانگی است که دست‌اندرکاران آن را معمولاً زنان تشکیل می‌دهند و روستاهای مجن - ابرسیج - کلاته خنج - دشت شاد - نردین - عباس‌آباد - طرود - سطوه به بافت چادر شب اشتغال دارند.

چادر شب بیشتر در ابعاد ۲۲۵×۲۴۰ سانتی‌متر با طرح چهارخانه یا پیچازی از نخ پنبه‌ای بافته می‌شود و رنگ‌هایی مرکب از نیلی - قرمز - زرد - سبز و مشکی دارد و اکثراً به مصرف رختخواب پیچ می‌رسند.

۴ - عبا

بافت عبا با مواد اولیه‌ای از قبیل نخ پشمی حاصل از کرک شتر یا بز و نخ پنبه‌ای تولید می‌شود. ابزار کار عبا بافان از دستگاه دستی با شانه‌های نخی، زنجیر آهنی، ماکو و میله بافندگی است عبا بافی در گذشته در

عنوان بود و بخ‌های پنبه‌ای به عنوان تار می‌باشد. دستگاه بافندگی چوقا همان دستگاه معمولی در بافت پارچه است.

چوقابافی در روستاهای دشت شاد، نردین، کلاته خبیج، مجن، ابرسیج، طرود و سطوه مرسوم می‌باشد.

۸- کرباس بافی

در بسیاری از روستاهای شاهرود صنعت خانگی دیگری نیز رواج دارد که دست‌اندرکاران آن را بیشتر زنان خانه‌دار تشکیل می‌دهند و به کمک دستگاه‌های ابتدایی و ساده و ورودی منسوجاتی با عرض 70×25 سانتی‌متر و طول 20 تا 80 متر تولید می‌کنند که تار و پود آن را نخ پنبه‌ای دستریس یا کارخانه‌ای تشکیل می‌دهند.

اکثر روستاهای شاهرود در گذشته به بافت کرباس اشتغال داشته‌اند و در حال حاضر کرباس بافی در روستاهای طرود مجن - کلاته خبیج - دشت شاد - ابرسیج مرسوم است.

۹- سفره

در بسیاری از مناطق روستایی شاهرود که به بافت پارچه اشتغال دارند پارچه‌ای با ابعاد 90×90 سانتی‌متر رایج است، که با مواد نخ پنبه‌ای تولید می‌شود. مهمترین این روستاها عبارتند از: طرود و کلاته خبیج.

انواع بافت در گلیم - نحوه بافت

برای شروع بافت ابتدا چند رج ساده، گیس بافی انجام می‌گیرد. گیس بافی حدود 12 - 10 سانتی‌متر از پایه چله برای داشتن ریشه گلیم فاصله دارد. گیس بافی به چندین فرم انجام می‌گیرد. چند رج ساده، دو رج زیر، دو رج رو، چند رج ساده، دوباره دو رج زیر، دو رج رو، برای ابتدای بافت گلیم می‌بافند. سپس بافت اصلی آغاز می‌شود بافنده طبق نقشه و یا بر اساس

ذهنیات خود نخ‌های رنگین، را که قبلاً به صورت گلوله در آمده و بالای سرش آویزان است از لابه‌لای تارهای گلیم عبور می‌دهد و شکل مورد نظر را بیان می‌کند.

هر ردیف پودگذاری یک رج نامیده می‌شود و لازم است بر روی هر رج بافته شده دفتیر رده شود، تا درگیری تار و پود استحکام کافی به خود بگیرد پودکشی گلیم و سایر انواع فرش (جاجیم - زیلو - پلاس و جوال، جل) همان بافت گلیم است و پودکشی گلیم رد کردن نخ‌های پود است از بین تارها که به همان روش پودکشی قالی انجام می‌شود با این تفاوت که چون در گلیم پود وجود ندارد نقش گلیم از طریق به کار بردن نخ‌های پود رنگی و با نقشه قبلی با ابتکار بافنده صورت می‌گیرد. نکته دیگری که در حین بافت گلیم دارای اهمیت فوق‌العاده است، این است که چنانچه قرار باشد، گلیم به شکل ساده و یا راه‌راه بافته شود می‌توان بافت را طبق آنچه گفته شد تا پایان ادامه داد. ولی، از آنجایی که گلیم‌های ایرانی به سبب بدین گونه می‌باشند و معمولاً دارای نقوش سنتی یا اشکال نباتی یا حیوانی (به گونه هندسی) هستند، بافندگان در صورتی که ناچار به استفاده از رنگ‌های مختلف در یک رج و در کنار همدیگر باشند در محل مورد نظر سرخامه (پرز) و خامه دیگری را که دارای رنگ دیگری است در کنار آن قرار و عمل بافت را ادامه می‌دهند، ولی چنانچه تدارک بافت به صورت عمودی و جنب یکدیگر از ده رج تجاوز کند، حتماً لازم است تا خامه‌های رنگینی که در کنار هم قرار می‌گیرند در یکدیگر زنجیره شوند. یا به اصطلاح در یکدیگر کلید شوند که آن هم، چندین فرم متفاوت است. در صورتیکه عمل زنجیره کردن انجام نشود سوراخ‌هایی در گلیم ایجاد می‌شود که از کیفیت گلیم می‌کاهد.

انواع بافته‌های گلیمی (داری) شهرستان شاهرود گلیم‌ها از نظر شکل و شیوه بافت به انواع مختلفی

زیلو

زیلو - در اغلب مناطق روستایی شاهرود با نخ پنبه‌ای بافته می‌شود و بیشتر به عنوان زیرانداز تابستانی مورد استفاده قرار می‌گیرد در بیشتر نقاط ایران، زیلو با دستگاه‌های بافندگی بافته می‌شود، ولی در مناطق روستایی شاهرود به شیوه بافت گلیم ولی با دستگاه‌های افقی بافته می‌شود. زیلو ظاهری زمخت دارد و از نظر تنوع رنگ و نقش نیز به هیچ وجه قابل مقایسه با دیگر انواع گلیم نیست.

عمده‌ترین ماده اولیه زیلوبافی را نخ پنبه‌ای تاییده شده تشکیل می‌دهد و معمولاً ۶ تا ۸ نخ یک لا در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و تاییده می‌شوند و به مصرف پود می‌رسند.

مناطق که در شاهرود به بافت زیلو اشتغال دارند عبارتند از: رضآباد خوار توران - نردین - معجن - لایته خبیج و ابرسیج.

پلاس یا پالاس

از نظر ظاهر شبیه به گلیم درشت باف است و در برخی مناطق شاهرود تولید می‌شود. شیوه بافت پلاس مشابه با زیلو بوده و معمولاً تار و پود از نخ‌های پنبه‌ای است و همان مناطقی که به بافت زیلو اشتغال دارند به بافت پلاس نیز اشتغال دارند.

جوال

کیسه‌های بزرگ و توبره است. این کیسه‌ها را معمولاً چادر نشینان و عشایر به دیوار می‌آویزند. جوال به عنوان انبار آذوقه مورد استفاده قرار می‌گیرد. جوال را معمولاً با زیلوهایی که قبلاً بافته شده‌اند به صورت کیسه درآورده و مورد استفاده قرار می‌دهند.

خورجین

بافته‌هایی است که عشایر و روستاییان همراه خود



تقسیم می‌شوند و هر یک از بافت‌های داری نام خاصی دارد. اسامی که ذیلاً نام آنها آورده می‌شود خاص تمامی نقاط ایران است و در مورد آنهایی که در مناطق روستاهای شاهرود نیز بافته می‌شوند به‌طور اختصار توضیحاتی داده شده است.

- ۱ - شیر یکی بیج ۲ - ورنی ۳ - گلپچه ۴ - زیلو
- ۵ - پلاس یا پالاس ۶ - مسند ۷ - جُل ۸ - سجاده ۹ -
- چپق ۱۰ - کوچه ۱۱ - آنسی ۱۲ - مفرش ۱۳ - جوال ۱۴
- خورجین

داشته و مورد استفاده جهت چارپایان و وسایل نقلیه ۲
چرخ قرار می‌دهند.

خورجین‌ها تلفیقی از پلاس یا زیلو با قالی است که
یا به شکل یکسره بافته شده و یا به یکدیگر متصل
می‌شوند.

گلیج

بافته‌ای که بیشتر در روستای مجن مرسوم می‌باشد،
مواد اولیه این بافته را نخ‌های پنبه‌ای که به صورت آماده
از بازار تهیه می‌شود تشکیل می‌دهد. نقوش آن بیشتر
هندسی ولیکن از نظر تنوع رنگ قابل مقایسه است.

قالی و اجزاء آن

قالی متشکل از تار و با خواب قالی است که
به آن معمولاً گوشت قالی هم می‌گویند تار در قالی
عبادت است از نخ‌هایی که موازی یکدیگر در طول
قالی قرار می‌گیرند این نخ‌ها ممکن است از ابریشم یا
پشم و یا پنبه انتخاب شود. پود قالی عبارت است از
رشته نخ‌هایی که به صورت موازی یکدیگر از بین
نخ‌های تار گذشته و به‌طور افقی در دار قالی عبور داده
می‌شوند. جنس این نخ‌ها معمولاً در قالی‌های عالی
ابریشم و در قالی‌های خوب و متوسط پشم و در
قالی‌های متوسط تا معمولی نخ پنبه است. البته بایستی
در نظر داشت که استفاده از نخ پنبه‌ای برای پود به
واسطه محکم بودن و همچنین عدم کشش زیاد آن
برای قالی مناسب‌تر هستند.

خواب و یا گوشت (پرز) فرش سطح خارجی پشم
را تشکیل می‌دهد که به وجود آمدن طرح و رنگ‌های
مختلف در فرش به واسطه وجود آنها است.

جنس پرز فرش را در قالی‌های ممتاز و عالی
ابریشم و در سایر قالی‌ها پشم تشکیل می‌دهد. خواب
و یا گوشت فرش به وسیله گره‌هایی که در این تازها
می‌خورد به وجود می‌آید پس از آنکه در یک رج گره

زده شد آنگاه نخ بود در روی آن قرار می‌گیرد. ممکن
است که پس از هر رج گره یک تا سه نخ بود در روی
آن قرار گیرد در این صورت در اصطلاح به این طریقه
بافندگی هر چین سه بود (در صورتی که سه نخ در
روی هم قرار گرفته باشند) یا دو پودی در صورتی که
دو نخ بود روی هم قرار گرفته باشند و یا در صورت
وجود یک نخ بود به آن چین در میان می‌گویند.

گره زنی و انواع آن در قالی‌بافی

اساس کار قالی‌بافی را گره‌هایی که توسط نخ‌های
رنگ شده بر روی تار قالی زده می‌شود تشکیل
می‌دهد، هر قدر تعداد این گره‌ها در سطح قالی زیادتر
باشد مرغوبیت و استحکام قالی نیز زیادتر است. طریقه
گره زنی در نقاط مختلف ایران فرق می‌کند و معمولاً
دو نوع گره در تمام ایران به کار برده می‌شود. گره
«فارسی باف» و گره «ترکی باف». گره فارسی بیشتر در
شهرهای اراک، مشهد، قم، اصفهان، کرمان و شاهرود و
اطراف تهران رواج دارد. در گره فارسی نخ از کنار یک
نخ تار به عقب برده می‌شود و از بین دو نخ تار بیرون
آمده و نخ دوم را دور زده واز میان دو نخ تار بیرون
می‌آید و سپس آن را کشیده و سفت می‌کنند.

گره ترکی باف بیشتر در بین ایلات ترکمن،
آذربایجان و روستاهای اطراف همدان رواج دارد. در
این نوع بافت نخ پرز از روی دو تار و از کنار آنها به
عقب برده می‌شود و سپس از داخل تارها به جلو
برگشته و سفت می‌شود. گاهی بافت قالی را از چپ و
گاهی از راست شروع می‌کنند. هر یک از این دو طریقه
گره‌زنی دارای بافت‌های تقابلی مشابه است که به آنها
گره‌های جفتی می‌گویند.

گره‌های جفتی را به جای آنکه بر روی دو نخ تار
بزنند از چهار یا شش نخ تار استفاده می‌کنند، متأسفانه
این نوع گره زنی که اکنون در کرمان، مشهد و سایر
شهرهای ایران کم و بیش رواج پیدا کرده است باعث

عدم استحکام فرش و سستی آن می‌گردد. این تقلب را در قالی‌های درشت‌باف با کمی دقت می‌توان تشخیص داد ولی در قالی‌های ریزبافت وقتی که نخ‌های رنگی هم انتخاب شده باشد کار بسیار دشواری است.

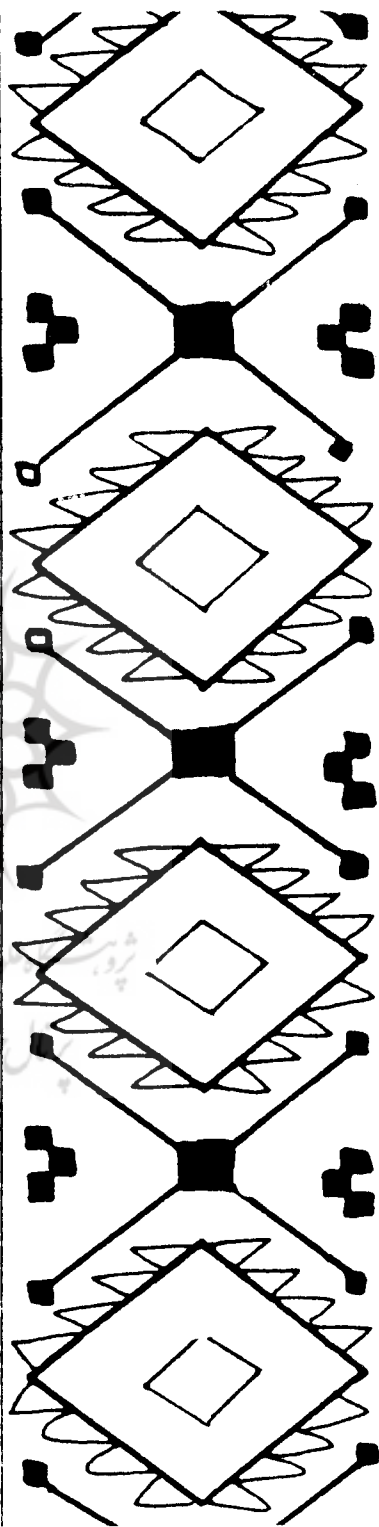
می‌توان با قاطعیت گفت ۹۹٪ از طرح‌های مورد استفاده در قالی‌بافی شاهرود از طرح‌های نایین است. چگونگی و به چه وسیله‌ای این طرح‌ها اینقدر وسیع و مستحکم در شاهرود پایدار مانده جای سؤال و صحبت دارد ولی تا آنجایی که از افراد و بافندگان سؤال شد بر این باورند که چند نفر از اهالی نایین که به قصد اقامت دائم به شاهرود آمده‌اند طرح‌های قالی نایین را با خود به شاهرود آورده و بنای قالی‌بافی شاهرود با طرح‌های نایین را بنیان گذاشتند.

طرح و نقش فرش نایین جالب و معروف اما یکنواخت است. رنگ‌ها اغلب روشن و رنگ‌ها گیاهی و شیمیایی و جنس مواد به کار رفته ششم - ابریشم یا پرز کوتاه است.

در طرح‌های قالی نایین آثاری از نفوذ طرح شاه عباسی که ملهم از نقش‌های کاخ‌های اصفهان هستند به چشم می‌خورد. طرح‌های نایین بیشتر لچک ترنج - بندی - بند اسلیمی - افشان و شکارگاه است. رنگ‌های مشخصه قالی‌های نایین عبارتند از درجات مختلف آبی روشن - سفید شیری - خاکستری روشن که حتی در فرش‌هایی که زمینه آنها آبی تیره، قهوه‌ای یا به ندرت قرمز است به کار می‌روند.

مؤخره

از آنجا که در مسیر پژوهش، هر لحظه ضرورت جمع‌آوری مطالب افزون‌گشت و اطلاعات و بررسی‌های پیش‌بینی نشده پدیدار گشت (که برای مطالعه موضوع ضروری بود) به ناچار هدف اصلی تحقیق که همانا جست و جوی نقش و نگارهای صنایع دستی مردم شاهرود بود به انتها نرسید و به خاطر کمبود



وقت، تنها به یافتن منابع و مطالب تا بدین جا، صورت پذیرفت، تا در فرصتی نزدیک در جمع‌بندی یافته‌ها به هدف نهایی برسیم.

اغلب نقش‌ها و طرح‌های بافته‌های روستایی که به صورت سنتی در سالیان طولانی شکل گرفته، با نقوش هندسی ساده همراه رنگ‌های به حد افراط تاریک و یا روشن هستند که در هر قوم و ملیتی، اندکی سلیقه و مشغولیات ذهنی، حضور می‌یابد و باعث تفاوت اندک نقش‌مایه‌های بافته‌های دستی با دیگر سرزمین‌های دور و نزدیک از خود می‌گردد.

حیوانات در زندگی روستاییان دارای اهمیت برجسته‌ای هستند و تمام هم و غم عشایر و روستاییان مصروف به نگهداری ستوران خود می‌شود، هر سالی که در خلال آن، ستوران ایشان از میان برود سالی مصیبت‌بار برای خانوار می‌گردد. به سبب اهمیت گوسفند بز در درجه اول، و همچنین شتر و اسب و الاغ به عنوان ستوران بارکش و مزرعه، دار و درخت و آب سمبول حیات، شگفت‌آور نیست که تصاویر آنها در بسیاری از دست‌باف‌های عشایری روستایی، هر چند به شیوه‌ای خاص و شاید نامفهوم، دیده شود.

به هر صورت، وجه مشترک همه دست‌بافته‌های روستایی و عشایری، گونه‌ای نقش‌پردازی سنتی است که در ظرف هزاران سال پرورش یافته و نیز صور هندسی و نگاره‌های پرندگان و حیوانات است. در همه نقش‌های بافته‌های سنتی نظم‌ی معین مشهود است که برای کار دشوار باز شناختن، منشاء هر یک از آنها می‌تواند سودمند باشد.

برخی از روستاییان و عشایر فقط چند نقش را با اندکی تغییر به کار می‌برند، طرح‌ها و نقش‌ها، تاریخی ثابت و معین دارند. بیش از سه هزار سال است که مردمان گوناگون ساکن و کوچ‌رو ایران، اندیشه‌های اساسی یکدیگر و نیز ملت‌ها و قبایل و فرهنگ‌ها و دین‌های دیگر را محترم می‌دارند و به نوعی در زندگی

خویش به کار می‌برند. اگر نگاهی به دست‌بافته‌های سنتی در شاهرود بیندازیم متوجه این موضوع خواهیم شد که علی‌رغم تنوع در انواع دست‌بافته‌ها و عجین شدن این دست‌بافته‌ها با زندگی روزمره مردم، متأسفانه هجوم مصرف کالاهای صنعتی و نوعاً آنها حتی در دور افتاده‌ترین روستاها و مقرون به صرفه بودن خرید آنها، چه از لحاظ قیمت و چه از لحاظ زمانی که تولید کننده باید صرف تولید دست‌بافته‌های سنتی بینماید، مانند موربان‌های به جان میراث‌های سنتی افتاده و پایه‌های این میراث را به نابودی می‌کشاند.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- در نوشتن تاریخچه بافت‌های غیرداری به شیوه تلخیص و نقل قول مستقیم از کتاب: زیر استفاده شده است. ساجی سنتی - راسخ - حسین بیگی - سروشی - سازه‌ها و صنایع دستی ایران، ۱۳۶۱.
- ۲- در نوشتن تاریخچه قالی و گلیم، به شیوه تلخیص و نقل قول مستقیم از کتاب‌های زیر استفاده شده است: هنر و صنعت قالی در ایران - هنر و صنعت - روزی انتشارات، بز ۱۳۵۰
- شناخت گلیم - زهرا جزایری - انتشارات سروش - ۱۳۷۰

منابع و مأخذ

- ۱- تاریخ قویس عبدالرفیع حقیقت تهران ۱۳۲۴
- ۲- ساجی سنتی راسخ، حسن بیگی، سروشی سازمان صنایع دستی ایران ۱۳۶۱
- ۳- کارگاه قالی و گلیم، مهین جمالی، وزارت فرهنگ و هنر ۲۵۳۵
- ۴- هنر و صنعت قالی در ایران، منصور وزی، انتشارات بز، ۱۳۵۰
- ۵- شناخت گلیم، زهرا جزایری، سروش، ۱۳۷۰
- ۶- فرهنگ جامع فرش ایران، احمد دانشگاه، نشر دی، ۱۳۷۲
- ۷- آمار روستاهای استان آذربایجان، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۰
- ۸- ساجی سنتی، قلیپس آکرمن، ترجمه زینب‌دخت صابر شیخ
- ۹- مردم‌نگاری پوشاک سنتی شهرستان سمنان، رضا حسینی، سازمان میراث فرهنگی (مردم شناسی) ۱۳۷۲